
مبانی اعتبارسنجی روایات بحارالانوار نزد علامه مجلسی

محسن قاسم پور*
ابوطالب مختاری هاشم آباد**

◀ چکیده:

بدون تردید هر پژوهشگری برای بهره‌مندی بهتر از *بحارالانوار*، بزرگ‌ترین دایرةالمعارف حدیثی شیعه، ناگزیر است با پیش‌فرض‌های مؤلف آن در اعتبارسنجی روایات آشنا گردد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی نشان می‌دهد علامه مجلسی به پیروی از دانشوران حدیث‌محور پیش از خود، روایات را براساس قرائن کتاب‌شناسانه و به‌شیوه تحلیل فهرستی، اعتبارسنجی می‌کرده و در بیشتر موارد، قرائن متنی را بر قرائن سندی، بیشترارج می‌نهاده است. همچنین براساس روایات، اصل احتیاط - تحفظ بر متن احادیث و پرهیز از تأویل مگر به ضرورت - و نیز قاعده تسامح در ادله سنن با قید شیعی بودن روایات آن را، در ارزیابی مصادر و احادیث *بحارالانوار* به‌کار بسته است. علامه مجلسی براساس چهار مبنای یادشده، روایات را از جهت اعتبار رتبه‌بندی کرده و اکثر روایات *بحارالانوار* را معتبر دانسته است، ولی از آن میان مبنای کتاب‌محورانه وی، کاربرد و تأثیر بیشتری در اعتباربخشی به روایات *بحارالانوار* نزد وی داشته است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** علامه مجلسی، *بحارالانوار*، متن حدیث، اعتبار حدیث، تاریخ حدیث شیعه، اخبارگرایی.

* دانشیار دانشگاه کاشان / ghasempour@kashanu.ac.ir

** دانشجوی دکتری دانشگاه کاشان / tahamokhtary@gmail.com

مقدمه

سیر کتابت و انتقال احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان  به عنوان دومین منبع آموزه‌های دینی پس از قرآن به نسل‌های آینده، از زمان پیامبر ﷺ تاریخی پرفرازونشیب داشته است. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار اثری مهم و برجسته از دانشمند و محدث پرکار، علامه محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق)، در تاریخ حدیث شیعه به‌شمار می‌آید. این جامع حدیثی درواقع دائرةالمعارفی است دینی با محوریت حدیث که هر پژوهشگر مباحث دینی ناگزیر است به‌دلیل ویژگی‌ها و امتیازات خاص آن ازجمله تنوع مباحث و جامعیت موضوعی آن، ترتیب و تنظیم احادیث، شرح‌های عالمانه مؤلف ذیل احادیث و مطالب، حفظ میراث مکتوب شیعه - به‌طوری‌که امروزه راه ارتباطی با برخی از احادیث فقط بحارالانوار است - و ارائه یک تفسیر موضوعی از قرآن به آن مراجعه کند. (درباره مزایای بحارالانوار نک: آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۳/ طارمی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۵-۱۳۶/ مهدوی راد و عابدی، ۱۳۷۱ش، ص ۷۸/ مهدوی، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۲۵۲/ رحمان ستایش، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۲۷۱-۲۷۲/ بهبودی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۸۰/ حجت، ۱۳۸۶ش، ص ۱۸۶-۱۹۲/ فقهی‌زاده، ۱۳۹۳ش، ص ۲۸۵-۲۸۷ و ۳۲۱-۳۳۷)

علامه مجلسی از عالمانی است که به‌تبع استاد و پدر دانشمندش، محمدتقی مجلسی، بیشتر پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی‌اش را به احیای احادیث اهل بیت  معطوف نموده است. (افندی اصفهانی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۴۰/ مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲/ همو، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۰، ج ۶، ص ۲۱۶ و ج ۸، ص ۳۷) وی ده‌ها هزار حدیث را در ۲۴۸۹ باب از بیش از چهارصد منبع حدیثی در مهم‌ترین اثر علمی‌اش، بحارالانوار گرد آورده است. (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۶-۴۶/ عابدی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۲۵-۲۲۶ و ۲۶۱)

بدیهی است اعتبار احادیث بحارالانوار و میزان اعتماد بر آن‌ها باتوجه‌به کثرت و تنوع روایات و منابع آن مسئله پیش روی هر پژوهشگری است. برای بررسی این مسئله لازم است پاسخ پرسش‌هایی به‌دست آید ازجمله علامه مجلسی در انتخاب منابع و احادیث بحارالانوار چه مبنایی داشته است؟ وی با کدام مبانی به اعتبارسنجی و

ارزیابی روایات می‌پردازد؟ آیا وی در تألیف بحارالانوار این مبانی را در همه موارد به کار گرفته است؟ خاستگاه مبانی وی در اعتبارسنجی روایات چه بوده است؟ آیا عوامل محیطی مثل فضای اخبارگرای حاکم بر حوزه اصفهان در مبانی اعتبارسنجی وی تأثیر داشته است؟

برای یافتن پاسخ پرسش‌های یادشده لازم است نخست از دیدگاه‌های علم الحدیث علامه مجلسی آگاه شد. باینکه وی چندین مرتبه از شرح و تفصیل دیدگاه‌های خویش در علوم حدیث در مجلد پایانی بحارالانوار (اجازات) خبر داده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۶۸، ۲۵۵ و ۲۸۳)، اثری از آن تألیف وجود ندارد. برخی از دیدگاه‌های علم الحدیث علامه مجلسی در بخش‌هایی از مقدمه مهم‌ترین آثار وی مانند بحارالانوار، مرآة العقول، ملاذ الاخیار و شرح اربعین و نیز در خلال شرح‌های وی ذیل احادیث این آثار قابل بررسی است.

بحارالانوار از جهات گوناگون مانند تلخیص، تعلیقه، ترجمه، استدراک و زندگینامه مؤلف آن از زمان تألیف، مورد توجه دانشمندان و به‌ویژه اندیشوران حدیث‌محور شیعه بوده است، ولی نگاشته‌ای که دیدگاه‌های علم الحدیث و فقه الحدیث علامه مجلسی را بررسی کرده باشد، بیش از دوران معاصر یافت نمی‌شود، که مهم‌ترین آن‌ها در پی‌نوشت خواهد آمد،^۱ با وجود پژوهش‌های خوب در مباحث فقه الحدیث و اصول نقد حدیث در بحارالانوار تاکنون پژوهشی منسجم درباره مبانی اعتبارسنجی روایات از دیدگاه علامه مجلسی صورت نگرفته است.

در پژوهش پیش رو که در پی تکمیل پژوهش‌های موجود و نظام بخشیدن به این بحث صورت گرفته است، با مروری بر عبارات موجود از علامه مجلسی در آثار وی، مهم‌ترین و پرکاربردترین مبانی اعتبارسنجی بحارالانوار به شرح ذیل استخراج شده است.

۱. مبانی اعتبارسنجی روایات نزد علامه مجلسی

علامه مجلسی مانند هر محدث دیگری براساس پیش‌فرض‌هایی، به جایگاه و اعتبار احادیث و منابع آن می‌نگرد که می‌توان آن را مبانی اعتبارسنجی روایات نزد وی نامید. باتوجه به شیوه حدیث‌محورانه علامه مجلسی در پژوهش‌های علمی و استفاده

همه جانبه وی از آیات و روایات در هر موضوعی و انحصار علوم واقعی در اهل بیت (علیهم السلام) نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲-۳، ج ۲، ص ۱۷۹/ همو، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳-۲) می توان به نقش آیات و روایات در دیدگاه های علم الحدیثی علامه مجلسی پی برد. از این رو، خاستگاه دیدگاه وی در علوم حدیث نیز در درجه اول، متن آیات و روایات معتبر و شرح و تفسیر آن است و در مرتبه بعد، دیدگاه های اندیشوران حدیث محور شیعه مثل شیخ صدوق و سید بن طاووس، که در احادیث تعمق بسیار داشتند.

در بحث اعتبارسنجی روایات در آینه روایات ائمه (علیهم السلام) بهترین و یکپارچه ترین منبع برای آگاهی از دیدگاه های علم الحدیثی علامه مجلسی، ابواب ۱۹ تا ۳۵ از کتاب «العقل و العلم و الجهل»، از ابواب «العلم و آدابه و أنواعه و أحكامه» می باشد که در آن به مطالبی مانند فضیلت کتابت حدیث و روایت آن، فضیلت حفظ چهل حدیث (اربعین نویسی)، آداب روایت و توضیحاتی درباره جواز نقل به معنا و انواع تحمل حدیث و... پرداخته شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۴۴-۳۲۲) با دقت در عناوین ابواب یادشده روشن می شود علامه مجلسی بسیاری از مبانی و اصولی را که در اصالت و اهمیت حدیث به عنوان دومین منبع دینی و یا در فهم روایات و چگونگی برخورد با آنان و نیز اعتبارسنجی آن ها به کار گرفته است، برخاسته از روایات می داند. (برای اطلاع بر برخی موارد نک: اوسط ناطقی، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۳۱۳-۳۳۳/ فقهی زاده، ۱۳۹۳ش، ص ۳۵۷-۵۶۸)

از موارد یادشده، می توان دو مورد «تحفظ بر متن احادیث و پرهیز از تأویل مگر به ضرورت» و «قاعده تسامح در ادله سنن» را که تأثیر قابل توجهی در شیوه ارزیابی و پذیرش یا رد روایات دارد، به عنوان دو مبنای اصلی علامه مجلسی در ارزیابی روایات دانست.

از سوی دیگر عصر صفوی عصر احیای کتب حدیثی و شرح و تدریس آن ها و به خصوص کتب اربعه بود. علامه مجلسی نیز به تبع از پدرش و استادانش در این مسیر گام برداشت و بر کتاب های الکافی و تهذیب الاحکام شرح های مهم، علمی و پرفایده ای نگاشت. مطالب وی در مقدمه این آثار و نیز بحار الانوار و به طور پراکنده در

شرح‌هایش بر احادیث، حاکی از پذیرش روش و شیوه محدثان متقدم و صاحبان کتب اربعه در اعتبارسنجی روایات دارد. بر این اساس می‌توان گفت وی دو مبنای «توجه به قراین کتاب‌محوری» و «اولویت متن‌محوری بر سند‌محوری» را به پیروی از قدمای محدث در اعتبارسنجی روایات به کار بسته است.

مبنای یادشده در زیر به اختصار بررسی می‌شود.

۱. ۱. مبناى اول: تحفظ بر متن احادیث و پرهیز از تأویل، مگر به ضرورت

علامه مجلسی در مواجهه با روایات منابع حدیثی شیعه، احتیاط ویژه‌ای دارد، و بدون دلیل کافی انتساب احادیث به اهل بیت (علیهم‌السلام) را نفی نمی‌کند، چه برسد به اینکه آن‌ها را انکار کند. این سفارش که برگرفته از محتوای بسیاری از روایات ائمه (علیهم‌السلام) خطاب به شیعیان است، سیره عقلایی هم است؛ زیرا انکار بدون دلیل مطالب نقل‌شده از افراد مورد اعتماد و به‌ویژه بزرگان و دانشمندان جامعه، امری غیرعقلانی است، چه برسد به پیشوایان معصوم.

علامه مجلسی بابتی با عنوان «أن حدیثهم ع صعب مستصعب و أن کلامهم ذو وجوه کثیرة و فضل التدبر فی أخبارهم ع و التسليم لهم و النهی عن رد أخبارهم»، سخت بودن حدیث آنان (صعب مستصعب) و اینکه کلامشان دارای وجوه بسیار هست و فضیلت تدبر در اخبار ایشان و تسلیم در برابر آنان و نهی از رد کردن اخبارشان، که شامل ۱۱۶ حدیث است، آورده. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۸۲-۲۱۲، باب ۲۶) محتوای بیشتر این روایات، ردّ و طرح روایات را بدون دلیل محکم، به‌شدت مذمت نموده است. بحث این روایات، انکار انتساب به اهل بیت (علیهم‌السلام) و انکار صدور آن‌ها از آن بزرگواران است.^۲

در این روایات، دلایل مذمت نفی شتابزده روایات، مواردی از قبیل ذووجوه بودن روایات، محکم و متشابه بودن آن‌ها و مخفی بودن وجه صدور آن، بیان شده است. برای نمونه علامه مجلسی از قول محمد بن حسن صفار نقل کرده است: «عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَأْتِينَا مِنْ قَبْلِكَ فَيُخْبِرُنَا عَنْكَ بِالْعَظِيمِ مِنَ الْأَمْرِ فَيُضِيقُ بِذَلِكَ صُدُورَنَا حَتَّى نَكْذِبُهُ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَلَيْسَ عَنِّي يَحْدِثُكُمْ قَالَ بَلَى قَالَ فَيَقُولُ لِلَّيْلِ إِنَّهُ نَهَارٌ وَلِلنَّهَارِ إِنَّهُ لَيْلٌ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ لَا قَالَ

فَقَالَ رَدُّهُ إِلَيْنَا فَإِنَّكَ إِن كَذَّبْتَ فَإِنَّمَا تَكْذِبُنَا. (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۳۸-۵۳۷/مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۸۷)

سفیان بن سمط گوید: به امام صادق (ع) گفتم: فدایت شوم مردی از نزد شما پیش ما می آید و ما را از امر بزرگی (از شما) خبر می دهد، و به آن (مطلب) سینه ما تنگ می گردد تا اینکه آن را دروغ می شماریم. گفت: امام صادق (ع) فرمود: آیا از من به شما حدیث نمی گوید؟ گفتم: بله، فرمود: آیا به شب می گوید روز است و به روز می گوید شب هست؟ گفتم: نه. امام فرمود: پس آن را به ما برگردان، اگر آن را تکذیب کنی، ما را تکذیب می کنی.

علامه مجلسی علاوه بر *بصائر الدرجات*، این مضمون را از آثار حدیثی دیگر مانند *المحاسن برقی*، برخی آثار شیخ صدوق (*معانی الاخبار*، *علل الشرائع*)، *الاختصاص*، *تفسیر عیاشی*، *رجال کشی* و... در باب یاد شده نقل کرده است. وی براساس این احادیث در مواجهه با احادیث کتب معتبر و تأویل احادیث، بسیار محتاط است. لذا درباره احادیثی که قراین و دلایل کافی برای رد آن ها ندارد، توقف می کند و علمش را به اهل بیت (ع) و ائمه (ع) وا می گذارد.

برای نمونه پس از نقل حدیثی طولانی از کتاب *المختصر حسن بن سلیمان حلی* می نویسد: «أقول: هذا خبر غریب لم نره فی الأصول التي عندنا ولا نردّها و نردّ علمها إلیهم ع.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۳۳-۴۰/ برای نمونه دیگر نک: همان، ج ۲۶، ص ۱۷)

می گویم: این خبر غریبی است که در اصول روایی ای که نزد ماست آن را ندیده ام و آن را رد نمی کنیم و علمش را به ائمه (ع) برمی گردانیم.

علامه مجلسی تأویل روایات را بدون ضرورت بر نمی تابد، وی پس از بحث مفصل عقلی درباره اقالیم سبعة زمین و دلیل زلزله و تأویل روایات توسط برخی دانشمندان می نویسد: «و می گویم: مگر دانستی که تأویل نصوص و آثار و آیات و اخبار بدون ضرورت عقلی و یا داشتن معارض نقلی جرأتی بر خدای عزیز جبار است و در تمام آن موارد جز آنچه از ایشان (ائمه) که درود خدا بر آنان باد وارد شده، نمی گوئیم و آنچه عقل های ما به آن نرسید، علمش را به آنان برمی گردانیم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۱۵۰)

به طور کلی روش علامه مجلسی، تحفظ متون حدیثی و پرهیز از تأویل آن‌ها در اکثر موارد است. چون این شیوه در آثار او بسیار مشاهده می‌شود، می‌توان آن را به مثابه یک مبنای وی در ارزیابی احادیث قلمداد نمود. وی در رساله اعتقادات خویش می‌گوید: «باید در برابر هر آنچه از اخبار و احادیث، از این خاندان رسیده، تسلیم محض شوی، اگر مضامین آن‌ها را خوب درک کردی به طور تفصیل بر آن ایمان بیاور و اگر با عقل ناقص خود پی به آن نبردی، اجمالاً ایمان بیاور. هرگز چیزی از اخبار و احادیث را به بهانه اینکه با عقل ناقص خود آن‌ها را نمی‌فهمی انکار نکن، که ممکن است روایت صحیح باشد و نقص از طرف تو باشد، که در این صورت خداوند را بر فراز عرش تکذیب کرده‌ای چنان که امام صادق علیه السلام تعبیر فرموده است. بدانکه علوم آن‌ها بسیار شگفت و احوالشان شگرف است، عقل ناقص ما نمی‌تواند بر عمق گفتار و کنه رفتارشان پی ببرد. لذا ما نمی‌توانیم چیزی را که از آن‌ها به ما رسیده است انکار کنیم.» (مجلسی، ۱۳۸۵ش، ص ۳۰-۳۱)

شبیه این سفارش در حق‌الیقین هم وجود دارد. (مجلسی، ۱۳۷۸ش، ص ۶۳۳)

۲.۱. مبنای دوم: رعایت قاعده تسامح در ادله سنن با محدود نمودن آن

تسامح در ادله سنن یعنی بررسی اخبار مستحبات، آداب و مواعظ، به آسانی انجام گردد. این قاعده در فقه «مسئله‌ای اصولی به معنای سهل‌گیری نسبت به مستندات احکام مستحب» تعریف شده است. مهم‌ترین دلیل موافقان این قاعده، «اخبار من بلغ» ذکر شده است. (سعیدی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۸۷-۲۸۸)

یکی از ابوابی که علامه مجلسی نیز آن را در ابواب مربوط به آداب علم، انواع و احکام آن گشوده است، «عمل به اخبار من بلغ»، شامل چهار حدیث از کتاب‌های المحاسن، الکافی و ثواب الاعمال است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۵۶-۲۵۷، باب ۳۰) محتوای این احادیث می‌گوید: هرکسی براساس حدیثی عملی را با ثواب مشخص شده در آن حدیث انجام دهد، خدا به او آن ثواب را می‌دهد، اگرچه در واقع پیامبر صلی الله علیه و آله و یا امام معصوم علیه السلام آن را نفرموده باشد.

خاستگاه اصلی اعتقاد به «تسامح در ادله سنن» که علامه مجلسی هم به آن پایبند است، احادیث «من بلغ» است. وی این روایات را میان فریقین، مشهور و معروف

می‌داند و اشاره دارد که سید بن طاووس بعد از نقل این حدیث از هشام بن سالم از *الکافی* گفته است: این خبر را در اصل هشام بن سالم یافتیم. (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۲۷/مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۵۶-۲۵۷)

علامه مجلسی پس از پاسخ به اشکالات وارد شده به قاعده تسامح در ادله سنن، با عبارات ذیل پذیرش این قاعده را منوط به مقید بودن آن به روایات شیعی می‌داند: «مراجعة برخی از اصحاب در مستحبات به اخبار مخالفان و روایاتشان و آوردن آن‌ها در کتبشان خالی از اشکال نیست، زیرا در بسیاری از اخبار، از مراجعه به اهل سنن و عمل به اخبار آنان نهی شده، به خصوص زمانی که محتوای آن اخبار، شکل و عبادت بدعت نهاده شده باشد که مانند آن در اخبار معتبر نیامده باشد و خدای تعالی (حقیقت را) می‌داند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۵۶-۲۵۷/ نیز نک: فقهی‌زاده، ۱۳۹۳ش، ص ۴۹۶-۵۰۱)^۳

علامه مجلسی براساس این دیدگاه، برخی کتب حدیثی مثل *تنبيه الخاطر* (که با عناوین *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر و مجموعه ورام* نیز مشهور است)، *غوالی اللآلی*، *نثر اللآلی و جامع الاخبار* را در موضوع آداب و سنن، به دلیل خلط اخبار اهل بیت (علیهم‌السلام) با اخبار عامه کم‌اعتبار می‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۹ و ۳۴)

نمونه‌ای بارز از کاربرد این مبنا در اعتبارسنجی روایات توسط علامه مجلسی، استناد وی به قاعده یادشده، به عنوان یکی از دلایل پذیرش حدیث مربوط به فضیلت نهم ربیع الاول است. (مجلسی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۵۸/ همو، ۱۴۰۳ق، ج ۹۵، ص ۳۵۱-۳۵۵) وی هنگام نقل این حدیث در *بحار الانوار* به قاعده مزبور اشاره نکرده است.

علامه مجلسی پذیرش این قاعده را در موارد دیگر نیز برجسته نموده است، از جمله در مقدمه *بحار الانوار* به سهل بودن بحث سند و کم‌اهمیت‌تر بودن آن درباره کتب ادعیه، مواعظ و قصص، در باره کتاب‌های *تحف العقول*، *طب الاثمه*، *الدعوات* و *قصص الانبیاء* راوندی، *قبس المصباح*، *العیون والمحاسن* لثی، براساس قاعده تسامح در ادله و سنن اشاره دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۹-۳۴)

۳.۱. مبنای سوم: توجه به قراین کتاب‌محوری در ارزیابی احادیث

یکی از نقاط برجسته در تاریخ حدیث شیعه، اعتبارسنجی روایات براساس منبع آن

حدیث است. علامه مجلسی در مقدمه خویش از ۳۷۸ منبع شیعی و ۸۵ منبع اهل تسنن نام می‌برد. اگرچه از اندکی از آن‌ها اصلاً نقل نکرده و یا بسیار اندک نقل کرده است، در *بحارالانوار* از بیش از ۶۰۰ منبع استفاده شده است. (عابدی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۵۵) علامه در فصل‌های اول و دوم مقدمه *بحارالانوار*، به ترتیب به بیان منابع *بحارالانوار*، نام مؤلفشان، میزان اعتبار آن‌ها و دلایل آن به اختصار و احياناً ارائه اطلاعات مفیدی درباره برخی از آن‌ها پرداخته است. اعتماد به محدثان، علما و مصنفان شیعه، مهم‌ترین دلیل اعتبار احادیث نزد علامه مجلسی است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۶-۴۷)

۱.۳.۱. نگاهی به روش کتاب‌محوری در تاریخ حدیث شیعه

با نگاهی به تاریخ حدیث شیعه و سیر کتابت حدیث روشن می‌شود بسیاری از احادیث منقول از امامان شیعه، از همان آغاز صدور به شکل مکتوب درمی‌آمد و تنها با نقل شفاهی به راویان نسل‌های بعد منتقل نمی‌شد و از اواخر قرن دوم، بررسی وثاقت حدیث در میان محدثان شیعه بیشتر به تحلیل کتاب‌شناسی معطوف گشت؛ یعنی نقد و بررسی متن حدیث، براساس کتاب و نسخه‌های مختلف آن و نه بر پایه سلسله راویان حدیث. (عمادی حائری، ۱۳۹۴ش، ص ۳۴-۳۵)

این روش در اعصار بعد و به‌ویژه از عصر غیبت امام عصر علیه السلام به بعد، راه اصلی تدوین آثار مکتوب حدیث شیعه بود؛ زیرا ارتباط سماعی محدثان و راویان حدیث به دلیل پراکندگی آنان و وجود محدودیت‌ها برای دسترسی به یکدیگر، کاهش می‌یافت. بر این اساس صاحبان هریک از کتب اربعه غالباً برای تألیف جامع حدیثی خویش از اصول و کتب معتبر حدیثی استفاده کرده‌اند. (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۸/ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳-۴/ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، بخش المشیخه، ص ۴-۵)

شیخ طوسی بر این اساس یکی از آثار رجالی خود را فهرست کتب *الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول* نام نهاد. رجالیان نیز علاوه بر بیان ویژگی‌های راویان و طرق خود به آثار آنان، گاهی به تبیین ویژگی‌های آثار مکتوب در عصر خویش می‌پرداختند و قرائنی مبنی بر دلایل و رتبه اعتبار کتاب مطرح می‌کردند.

(برای نمونه نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۳ و ۳۸/ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۷ و نیز نک: عمادی حائری، ۱۳۹۴ش، ص ۲۰۷-۲۲۹)

به گفته شیخ بهایی، از جمله قراین اطمینان آور به صدور حدیث از امامان (علیهم السلام) نزد قدمای محدث شیعه عبارتۀ اند از: «وجود حدیث در بسیاری از اصول چهارصدگانه حدیثی»، «تکرار آن در یک یا دو و یا چند اصل به طرق گوناگون»، «وجود حدیث در اصل معروف منسوب به یکی از اصحاب اجماع»، «وجود حدیث در یکی از کتبی که بر ائمه (علیهم السلام) عرضه شده و مؤلف آن را ستوده باشند» و «نقل حدیث از کتبی که اعتبار آن در میان متقدمان معروف بوده است». (عاملی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۶-۲۹ تلخیص/ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۳-۲۴)

روشن است که پنج مورد یادشده (به ویژه سه مورد آخر که اصلاً به نقش سند در آن اشاره نشده است) به اعتبارسنجی احادیث از طریق اعتبار منبع آن اشاره دارد.

مجلسی اول نیز که شاگرد شیخ بهایی و استاد علامه مجلسی است، اشاره دارد که شیخ کلینی در الکافی و شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه از اصول چهارصدگانه حدیثی و کتب معتبر و مشهور احادیث جامع خویش را نقل کرده اند (مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۸-۳۰)

بی تردید با فاصله گرفتن از عصر صدور احادیث توسط پیشوایان معصوم (علیهم السلام) و بیشتر شدن اهمیت منابع مکتوب حدیثی، توجه به میزان اعتبار این منابع و دلایل و قراین اعتبارسنجی منابع برای محققان ضرورت می یابد؛ زیرا اعتبار هر حدیثی با اعتبار منبع آن و وثاقت مؤلف کتاب، رابطه مستقیم دارد. بر این اساس می توان توجه به میزان اعتبار منابع حدیث را در آثار محدثان و فقهای سده های میانی همچون سید بن طاووس، محقق حلی جست و جو نمود. (برای نمونه نک: کلبرگ، ۱۳۷۱ش، ص ۲۸۵-۲۹۰/ حلی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۳۳)

علامه مجلسی نیز در ادامه پژوهش های حدیثی دانشوران حدیث محور شیعه در کاری گسترده تر و با ابتکار و اجتهاد خاص خویش، به اعتبارسنجی روایات از طریق تحلیل و بررسی مصادر آنها پرداخته است. وی بر این اساس، دلایل و قراین اعتبار منابع بحار/الانوار را تبیین کرده است و از این رهگذر پیروی خویش را از روش

متقدمان ولی متناسب با زمانه خویش آشکار نموده است. او با بیان عنوان «فی بیان الوثوق علی الكتب المذكورة و اختلافها فی ذلك» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۶) علاوه بر پذیرفتن اعتبار مصادر بحار/الانوار، به طور کلی به وجود مراتب اعتبار در میان آن‌ها اشاره می‌کند.

۱.۳.۲. قراین کتاب محوره در مصادر بحارالانوار

علامه مجلسی برای مصادر بحار/الانوار حدود بیست قرینه به عنوان دلیل بر اعتبار منبع در مقدمه بحار/الانوار آورده است. روشن است که تعدد قراین بر اعتبار منبع می‌افزاید، لذا علامه مجلسی برای بسیاری از منابع چند مورد از قراین یادشده را ذکر کرده است. مثلاً علامه مجلسی درباره کتاب الانوار فی مولد النبیه ﷺ تألیف ابوالحسن بکری می‌نویسد: «برخی از یاران و تعدادی از مشایخ شهید ثانی مؤلف کتاب الانوار را ستوده‌اند و مضامین اخبارش با اخبار معتبر منقول با اسانید صحیح موافقت دارد و بین دانشمندان ما مشهور بوده و در مجالس ماه ربیع الاول تا روز تولد شریف (میلاد پیامبر ﷺ) آن را تلاوت می‌کردند. (همان، ص ۲۲ و ۴۱) یعنی سه قرینه بر اعتبار منبع بیان کرده است.

قراین ارائه‌شده توسط علامه مجلسی را می‌توان در دو دسته ذیل بیان کرد:

۱.۳.۲.۱. قراین داخلی اعتبار منابع بحارالانوار

منظور از قراین داخلی، دلایل و شواهدی هست که به نحوی به خود منبع ارتباط دارد، مثل سند یا متن، محتوا و موضوع حدیث یا حاشیه‌های موجود در داخل کتاب. با توجه به عبارات علامه مجلسی در مقدمه بحار/الانوار، این قراین را بر اعتبار منابع می‌توان در نه مورد دسته بندی کرد، که به ترتیب مقدار بهره‌بری علامه مجلسی از آن از بیشتر به کمتر در ذیل می‌آید:

۱. داشتن محتوای مفید یا عالی یا کمیاب؛ مثل الاختصاص. (همان، ص ۲۷)
۲. جلالت تألیف (استواری متن یا نظم کتاب یا ثبت و ضبط دقیق احادیث در منبع)؛ مثل تحف العقول و کفایة الاثر. (همان، ص ۲۹)
۳. وجود روایات آن در سایر منابع معتبر یا توافق مضمون روایات آن با روایات کتب موثق حدیثی؛ مثل امالی طوسی. (همان، ص ۲۷)

۴. داشتن اسناد خوب یا اخذ مطالب از اصول اولیه حدیثی یا کتب معتبر؛ مثل *الدعوات* و *قصص الانبیاء* قطب الدین راوندی و *النوادر* فضل الله راوندی. (همان، ص ۱۲ و ۳۱)

۵. تسامح در ادله و سنن برای آثار دارای احادیث اخلاقی و آداب و ادعیه؛ مثل *طب الائمة*. (همان، ص ۳۰)

۶. عدم خلط اخبار امامیه با اخبار عامه توسط مؤلف؛ چنان که در بحث محدود نمودن قاعده تسامح در ادله سنن ذکر شد. علامه مجلسی برخی منابع را مثل تنبیه *الخاطر*، *غوالی اللآلی*، *نثر اللآلی* و *جامع الاخبار* به دلیل استفاده از اخبار اهل تسنن در آداب و سنن کم اعتبار شمرده است. (همان، ص ۲۹ و ۳۱)

۷. وجود اجازات فضلا یا دستخط یا تصحیح آنان بر نسخه ای از کتاب؛ مثل *امالی* و *خصال* شیخ صدوق. (همان، ص ۲۶)

۸. اشتغال بر احادیث فراوان در موضوعی خاص، مثل *الهدایة الکبری* از حسین بن حمدان حضینی که علامه مجلسی آن را مشتمل بر اخبار بسیاری در مناقب می داند. (همان، ص ۳۹)

۹. سازگاری اسلوب و سیاق متن روایات آن با متون احادیث صحیح؛ مثل دو *رسالة توحید* و *اهلیلیجه* از مفضل بن عمر. (همان، ص ۳۲)

۱. ۲. ۳. ۲. ۲. قراین خارجی اعتبار منابع بحار الانوار

منظور از قراین خارجی، شواهد و دلایلی است که ارتباطی به ظاهر و محتوای خود منبع ندارد، بلکه از طریق سایر موارد مؤثر بر اعتبارسنجی حاصل می شود. باتوجه به عبارات علامه مجلسی در مقدمه *بحار الانوار* می توان این قراین را در یازده مورد دسته بندی کرد، که به ترتیب فراوانی استفاده از آن توسط علامه مجلسی از بیشتر به کمتر در ذیل می آید:

۱. شهرت یا جلالت مؤلف؛ مثل مناقب و معالم ابن شهر آشوب. (همان، ص ۲۹)
۲. شهرت اصل یا کتاب و متداول بودن آن در میان دانشوران شیعه؛ مثل کتب شیخ صدوق (به استثنای *الهدایة* و *صفات الشیعة* و *فضائل الشیعة* و *مصادقة الاخوان* و *فضائل الأشهر الثلاثة*). (همان، ص ۲۶)

۳. نقل و استفاده محدثان و دانشوران بعدی و متأخر از آن اثر؛ مثل آثار شیخ صدوق و بصائر الدرجات. (همان، ص ۲۶ و ۲۷)

۴. وجود نام کتاب و تأیید انتساب آن به مؤلفش در آثار محدثان یا رجالیان متقدم؛ مثل تفسیر عیاشی. (همان، ص ۲۸)

۵. توثیق یا مدح مؤلف توسط صاحبان کتب رجال یا فهرست یا صاحبان اجازات؛ مثل کفایة الاثر. (همان، ص ۲۹)

۶. وجود نسخه‌ای قدیمی یا نسخه‌ای که نزدیک عصر مؤلف کتاب نگاشته شده است؛ مثل امالی صدوق، خصال و عیون اخبار الرضا علیه السلام و کمال الدین. (همان، ص ۲۶)

۷. وجود نام مؤلف در اسناد اجازات؛ مثل روضة الواعظین. (همان، ص ۲۸)

۸. مدح مؤلف یا اثرش یا توصیه به آن توسط عده‌ای از نیکان یا دانشمندان؛ مثل الامامة و التبصرة تألیف علی بن بابویه قمی. (همان ص ۲۶)

۹. شمرده شدن از یکی از اصول اولیه حدیثی؛ مثل قرب الاسناد و بصائر الدرجات. (همان، ص ۲۶ و ۲۷)

۱۰. وجود نسخه‌ای از کتاب به خط مؤلف نزد علامه مجلسی؛ مثل اعلام الوری طبرسی. (همان، ص ۲۸)

۱۱. وجود نام مؤلف در اسناد روایات متقدمان؛ مثل الععل محمد بن علی بن ابراهیم قمی. (همان جا)

۳. ۲. ۱. مهم‌ترین و پرکاربردترین قرینه‌های کتاب‌محورانه نزد علامه مجلسی

علامه مجلسی سه قرینه «جایگاه علمی مؤلف»، «شهرت و متداول بودن تألیف در بین دانشوران شیعه» و «محتوای سودمند کتاب» را دربارهٔ بیش از پنجاه اثر ذکر کرده و نسبت به سایر قرائن از آن‌ها بیشتر استفاده کرده است. علامه مجلسی در مقدمهٔ سوم مقدمهٔ بحارالانوار، بدون ارائهٔ دلیل، برخی آثار را معتبر خوانده است مثل آثار ابن برآج و سلار بن عبدالعزیز دیلمی که آن‌ها را در نهایت اعتبار می‌داند. (همان، ص ۳۸) درحالی‌که در مقدمهٔ دوم، مؤلف برخی از این آثار را با صفات پسندیده‌ای ستوده است، مثلاً وی ابن برآج را خوش‌مسلك و دارای شیوهٔ نیکو و سلار را دانشمندی پارسا می‌داند. (همان، ص ۲۰) بنابراین به احتمال زیاد، قرینهٔ اصلی او بر اعتبار این کتب

همان جایگاه علمی مؤلف بوده است. به نظر می‌رسد علامه مجلسی در این استفاده فراوان از این قرینه، متأثر از شیوه متقدمان بوده است. یکی از محققان می‌نویسد: «شاید بتوان فراگیرترین شیوه ارزیابی حدیث را در آن روزگاران (روزگار امامان علیهم‌السلام) توجه به بازگویی روایت از ثقات دانست.» (حسین پوری، ۱۳۹۳ش، ص ۶۶)

۱.۳.۳. روش کتاب‌محورانه علامه مجلسی در تألیف بحارالانوار

علامه مجلسی از شیوه متقدمان در نظام قراین صحت حدیث اثر پذیرفته است. یکی از محققان می‌نویسد: «متقدمان امامی، در فرایند ارزیابی صدور احادیث با تکیه بر نظام قراین، از نشانه‌های متعددی استفاده کرده‌اند که این نشانه‌ها را می‌توان در سه محور منابع احادیث، راویان، و متون احادیث مشاهده کرد. چنان‌که در این ارزیابی‌های سه‌گانه به صدور حدیثی از معصوم اطمینان می‌یافتند، از آن حدیث با عنوان صحیح یاد می‌کردند، و در مقابل احادیثی را که در صدور آن از معصوم تردید داشتند، ضعیف می‌شمردند.» (باقری، ۱۳۹۲ش، ص ۶)

بنابر مطالب یادشده، علامه مجلسی در مقدمه بحارالانوار نظامی، از اعتبارسنجی روایات براساس مبنای کتاب‌محوری ارائه داده است که همان روش محدثان متقدم امامیه است؛ زیرا همان‌طور که مؤلفان اصول حدیثی معتبر شیعه و صاحبان کتب اربعه، براساس قرآینی مثل اخذ مطلب بدون واسطه از معصوم علیه‌السلام، تأیید معصوم علیه‌السلام بر صحت کتاب، شهرت مؤلف و وثاقت وی، اشتها نسخه‌های کتاب، مفید بودن محتوا، باب‌بندی و نظم مطالب کتاب، بر آن‌ها اعتماد می‌کردند. (برای نمونه نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۵۸ کتاب‌های حسن و حسین فرزندان سعید اهوازی و ص ۲۳۱ درباره کتاب عبیدالله بن علی حلبی و ص ۲۵۳ درباره آثار علی بن مهزیار اهوازی / طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۲ درباره کتب حریز بن عبدالله سجستانی) علامه مجلسی نیز براساس مبانی علم الحدیثی خویش، نمونه‌هایی از قراین یادشده را بر اعتبار مصادر بحارالانوار یاد می‌کند.

وی پس از بیان نقل شیخ بهایی درباره دلیل تغییر روش متأخران از روش متعارف قدما و ایجاد اصطلاح جدید (تقسیم چهارگانه حدیث به جای تقسیم دوگانه آن) (نک:

عاملی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۰-۳۵/ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۴-۲۶) ضمن تأیید کلی سخنان شیخ بهایی، نقد مهمی را هم مطرح کرده است:

«و می‌گوییم: آنچه شیخ بهایی که خدا او را رحمت کند از آن بهره می‌برد تا متأخران را به دلیل از بین رفتن بسیاری از قرینه‌ها معذور دارد، و اگرچه حق است ولی تمام آن امور (قرینه‌ها) از بین نرفته است، و به راستی دو صدوق (شیخ صدوق و پدرش و یا شیخ صدوق و شیخ کلینی) که خدا از آن دو راضی باشد، اخبار را از آن اصول معتبر گرفتند و در کتابشان به صحت آن‌ها شهادت دادند، و شاید شهادت آن دو از شهادت رجالیان به عدالت وثاقت راویان کمتر نباشد. و همچنین شیخ صدوق و شیخ طوسی خداوند ضریحشان را منور گرداند، در فهرست‌هایشان اصول معتبر و سند‌هایشان به آن‌ها را ذکر کردند و در کتابشان به فهرست ارجاع دادند و برای پژوهشگر با قرینه‌های آشکار، روشن است که تمام آن احادیث از آن اصول گرفته شده است و برای آنان به آن کتب سند‌های فراوانی بوده است، ولی آنان برای رعایت اختصار در هر خبری به برخی از آن اسناد اکتفا می‌کردند، بلکه بیشتر آن کتب نزد آنان متواتر بوده است مانند متواتر بودن کتب اربعه نزد ما و برای همین می‌بینی شیخ طوسی را هنگامی که ناچار است خبری را رد کند، طعنی به یکی از رجال اجازه کتاب نمی‌زند، بلکه طعن او یا به صاحب کتاب است و یا به کسی که پس از او هست، علاوه بر آنکه در کتاب‌های رجالی‌اش راویان موجود در سند را تضعیف نموده است، و این ضعف را فقط هنگام تعارض اخبار معتبر می‌داند، ما بسیار می‌بینیم که او در احکام به اخبار علی بن حدید و مانند او استدلال می‌کند، سپس هنگام تعارض اخبار به آنان طعن می‌زند، بنابراین روشن شد که تمامی این اخبار نزد آنان معتبر بوده است، و آنچه در کتب رجال از توثیق و تضعیف ذکر کرده‌اند، هنگام تعارض به آن عمل می‌کردند، زیرا عمل به خبر قوی‌تر شایسته‌تر است. و آنچه نزد من قوت دارد و دلایل آن را در کتاب کبیر آورده‌ام، این هست که همه اخبار وارد شده در آن اصول اربعه و غیر آن، از تألیفات صدوق و برقی و صفار و حمیری و شیخ طوسی و شیخ مفید و آنچه - به شکر و ستایش خدا -

از اصول معتبر و مذکور در کتب رجال به ما رسیده و اخبار آن‌ها را در کتاب *بحارالانوار* وارد نموده‌ام، تمامش مورد عمل است و از اصول عقلی و استحسان‌ها و قیاس‌های متداول میان برخی متأخران از اصحاب، قوی‌تر است و لکن چاره‌ای جز رعایت احوال رجال در هنگام جمع میان اخبار و تعارض میان آن‌ها نیست و بحث مفصل را در امثال این موضوع به کتاب بزرگ (*بحارالانوار*) موکول می‌کنیم. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۶-۲۷)

از عبارات یادشده روشن می‌شود علامه مجلسی یکی از قراین مهم محدثان متقدم را برای ارزیابی روایات اعتماد به کتب اصحاب و شهرت آن کتب می‌داند، و آن قرینه را مبنای تألیف *بحارالانوار* قرار داده است.

وی در اثر دیگرش نیز می‌نویسد: «وجود خبر در امثال آن اصول معتبر از عواملی است که سبب جواز عمل به آن می‌شود...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۲) علامه مطالب یادشده را با تفصیل بیشتر در شرح اربعین نیز آورده است. (مجلسی، ۱۳۹۹ق، ص ۵۰۹-۵۱۲)

به هر حال، علامه مجلسی به تبع پدرش، شیوه صاحبان کتب اربعه را کتاب‌محورانه می‌داند و با طرح نظام قراین خاص کتاب‌شناسانه، از آن شیوه در تألیف *بحارالانوار* متناسب با زمانه خویش بهره برده است، ولی بارها متذکر می‌شود که اعتبار منابع حدیثی یکسان نیست، مثلاً هجده مورد از منابع *بحارالانوار* مانند *مشارق الانوار* رجب برسی را به دلایلی از جمله نقل اخبار غالیانه یا مجهول المؤلف بودن یا عدم شباهت به اسلوب فرمایشات ائمه علیهم‌السلام یا خلط منابع روایی عامه و خاصه توسط مؤلف، در مقدمه *بحارالانوار* کم‌اعتبار معرفی می‌کند. (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰، ۲۵، ۲۹، ۳۲، ۴۰، ۴۲ و ۴۵/ قاسم‌پور و مختاری، ۱۳۹۵ش، ص ۱۱۱-۱۱۳) و نیز در فصل سوم از مقدمه *بحارالانوار* پس از ذکر رمز و علامت اختصاری برای هشتاد منبع از مصادر *بحارالانوار*، دلیل قرار ندادن رمز برای سایر منابع را که آن‌ها را با اسم کامل می‌آورد، مواردی از جمله نداشتن اعتماد کافی بر برخی از منابع *بحارالانوار* می‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۸) بر این اساس بدنه اصلی *بحارالانوار* را روایات کتب متقدم و معتبر مثل *محاسن برقی*، *بصائر الدرجات*، بیشتر آثار شیخ صدوق و... تشکیل می‌دهد

که علامه تمام یا بیشتر احادیث آن‌ها را در *بحارالانوار* آورده است، و سایر منابع در جهت تکمیل خانواده حدیثی و حفظ میراث مکتوب حدیث شیعه در *بحارالانوار* بازتاب یافته است.

۴.۱. مبنای چهارم: اولویت متن محوری بر سند محوری

به طور کلی در شیوه اعتبارسنجی علامه مجلسی، متن و محتوا و اسلوب روایات مهم‌تر از سند آن جلوه می‌کند. وی به پیروی از محدثان متقدم، بیشتر متن محور است. بیانات و شرح‌های عالمانه علامه مجلسی بر احادیث، نمایانگر اهمیت فقه الحدیث و یافتن دلالت صحیح حدیث نزد وی است. او در بسیاری از موارد، تشویش و اضطراب متن حدیث را از طریق صحیح‌ترین نسخه‌ها و قراین دیگر، برطرف می‌کند. وی با کنار هم قرار دادن احادیث هم‌مضمون و تشکیل خانواده حدیث، مسیر تدبر بر روایات را آسان می‌کند و به شیوه‌های علم الحدیثی خویش در مورد روایات به ظاهر متعارض یا شاذ نظر می‌دهد. بدین ترتیب وی از قراین متنی در اعتبارسنجی *بحارالانوار* بسیار بهره می‌برد.

علامه مجلسی با اذعان به اهمیت سند حدیث به عنوان پایه و اساس آن (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳/ همو، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۸) ذکر کامل سند را با رعایت اختصار درباره روایان به شرحی که به تفکیک منابع اصلی در مقدمه *بحارالانوار* داده، برمی‌گزیند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۸-۶۲) وی در *بحارالانوار* برای حدود ده درصد از روایات بیش از یک سند ذکر می‌کند و پس از اتمام حدیث به سند دیگری از همان منبع یا منابع دیگر ارجاع می‌دهد. وی دارای اطلاعات بسیاری در حوزه‌های اسناد و روایان روایات بوده است و ارزیابی سندی احادیث را به شیوه متأخران در *مرآة العقول* و *ملاذ الاخیار* مطرح کرده است، ولی در بسیاری از موارد با قید «علی المشهور» مخالفت خویش را با نظر رجالیان مشخص کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۱)

محققان معتقدند بررسی سندی حدیث به روش متأخران در ابتدا توسط علامه حلی به قصد روایات فقهی ابداع شده است. (حسین پوری، ۱۳۹۳ش، ص ۲۸۰-۲۸۱) علامه مجلسی نیز به اهمیت بیشتر بررسی سندی در احادیث فقهی اشاره کرده است.

وی در پایان فصل سوم از مقدمه بحار/الانوار پس از شرح علامت‌های منابع اصلی بحار/الانوار می‌نویسد: «و هنگامی که به فروع (احکام فقهی) رسیدیم، اگر خدای تعالی بخواهد رمزها را رها می‌کنیم و به نام کتاب‌ها تصریح می‌کنیم، به جهت فایده‌هایی که مخصوص آنهاست و بر خردمندان مخفی نیست و این چنین آنجا اختصاراتی که در مورد سندها در فصل بعد عنوان می‌کنیم، به دلیل فراوانی نیاز به سند در آنها رها می‌کنیم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۸)

توجه بیشتر به صحت سند در مسائل فقهی، شیوه قدمای محدث بوده است. چنان‌که این مطلب در آمار ارائه‌شده در بررسی سندی احادیث کافی هویدا است. (نک: حجت، ۱۳۸۶ش، ص ۱۷۴/ نیز نک: حسین‌پوری، ۱۳۹۳ش، ص ۱۹۱)

علامه مجلسی به پیروی از محدثان متقدم با توجه به نظام قراین متنی و سندی، به اعتبارسنجی می‌پرداخته است ولی از دیدگاه وی در روایات غیرفقهی، صحت و اعتبار حدیث بیشتر منوط به قراین متنی حدیث است:

شاهد اول: وی بیان داشته که در اعتبارسنجی برخی مسائل تاریخی، به پیروی از گذشتگان به دلیل کمی بیان آن مطالب در اخبار، چندان سختگیری ندارد، باینکه بیشتر آنها با اخبار معتبری که آورده است تأیید می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۹۴)

شاهد دوم: علامه مجلسی براساس مبنای متن محورانه خویش، یکی از دلایل اعتماد به برخی از منابع مثل کتاب‌های نرسی و زید زراد از اصحاب امام صادق (علیه السلام) و کتاب تفسیر فرات کوفی را موافقت مطالبشان با احادیث معتبر می‌داند. (همان، ج ۱، ص ۳۷ و ۴۳-۴۴)

شاهد سوم: وی در بحار/الانوار در مواردی براساس صحت محتوا، علو مضمون و سیاق و اسلوب روایت به اعتبار و یا عدم اعتبار حدیث حکم می‌کند. برای مثال، وی پس از نقل حدیثی طولانی از کتاب احتجاج طبرسی می‌نویسد: «هذا الخبر و إن كان مرسلًا لكن أكثر أجزائه أوردها الكليني و الصدوق متفرقة في المواضع المناسبة لها و سیاقه شاهد صدق علی حقیقه.» (همان، ج ۱۰، ص ۱۸۸)

اگرچه این خبر مرسل است، بیشتر اجزای آن را کلینی و صدوق در جای مناسب آن به صورت پراکنده آورده‌اند و سیاق آن گواه راستی بر حقیقت آن هست.

و یا وی در ضمن نقل قنوت‌های منسوب به امامان (علیهم‌السلام) از *مهج الدعوات*، پس از نقل قنوت امام رضا (علیه‌السلام) می‌نویسد: «این دعا در بیشتر نسخه‌ها نیست و شاید برخی از افراد مقصر به آن اضافه کرده باشند و (متن آن) با آنچه از امامان پاک (علیهم‌السلام) روایت شده، شباهت ندارد.» (همان، ج ۸۲، ص ۲۲۴)

شاهد چهارم: وی در برخی موارد، دلیل تضعیف برخی از راویان را توسط رجالیان، نقل اخبار عالی و دشوار که عقل بیشتر مردم به آن نمی‌رسد، می‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۶۲)

شاهد پنجم: بااینکه علامه مجلسی برخی منابع مثل *مصباح الشریعه* و *مشارق الانوار* را کم‌اعتبار می‌داند (همان، ج ۱، ص ۱۰، ۲۳ و ۴۰) در هنگام تألیف *بحارالانوار*، مواردی را که محتوای آن‌ها موافق عقل و احادیث معتبر است از این منابع نقل می‌کند. در برخی موارد استفاده از منابع اهل تسنن نیز به این دلیل است. (برای اطلاع از نمونه‌های بیشتر از مبنای متن‌محورانه علامه مجلسی نک: قاسم‌پور و مختاری، ۱۳۹۵ش، ص ۱۱۴-۱۱۹ و ۱۲۸-۱۲۹)

نتیجه‌گیری

با مطالعه سیره و آثار علامه مجلسی می‌توان به مبانی اعتبارسنجی روایات نزد علامه مجلسی دست یافت. دانستن این پیش‌فرض‌ها به استفاده دقیق‌تر از *بحارالانوار* می‌انجامد. برخی از این مبانی مانند «تحفظ بر متن احادیث و پرهیز از تأویل مگر به ضرورت» و «رعایت قاعده تسامح در ادله سنن به صورت محدود» برخاسته از متن روایات است و برخی مبانی وی مانند «توجه به قراین کتاب‌محوری» و «اولویت متن‌محوری بر سند‌محوری» از جست‌وجو در سیره قدمای محدث و تبعیت علامه مجلسی از روش آنان حاصل شده است.

مهم‌ترین مبنای علامه مجلسی در تألیف *بحارالانوار* مبنای کتاب‌شناسانه وی است که حاکی از تأثیرپذیری ایشان از صاحبان کتب اربعه در مباحث علم الحدیثی و نشان بزرگی و ابتکار وی در ارائه نظامی خاص برای اعتبارسنجی روایات براساس اعتبار منابع آن است. علامه مجلسی تمام منابع و تمام احادیث *بحارالانوار* را در یک درجه از

اعتبار نمی‌داند و برای آن‌ها براساس قراین متنی - سندی و داخلی - خارجی مراتبی از اعتبار قائل است.

تغییر موضوع احادیث، سبب تغییر قابل توجهی در روش علامه مجلسی در انتخاب منابع می‌شود. وی خود به اهمیت بیشتر ارزیابی سندی در احادیث فقهی اشاره کرده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. در سال‌های اخیر در برخی از آثار پژوهشگران مانند مقالات موجود در مجموعه‌های یادنامه مجلسی و شناخت‌نامه علامه مجلسی و نیز علامه مجلسی اثر حسن طارمی، آشنایی با بحارالانوار تألیف احمد عابدی، علامه مجلسی و فهم حدیث اثر عبدالهادی فقهی‌زاده و علامه مجلسی و پژوهش‌های حدیثی تألیف نادعلی عاشوری، و نیز آثار پژوهشگرانی مانند محمدباقر بهبودی، علی اوسط ناطقی، سید محمد بحرالعلوم، محمدکاظم رحمان‌ستایش، سید علی محمد رفیعی و کامران ایزدی مبارکه، مطالبی ارزنده به‌طور پراکنده درباره دیدگاه‌های علم الحدیثی علامه مجلسی و مبانی اعتبارسنجی روایات نزد وی وجود دارد.

۲. باید توجه کرد انکار انتساب و انکار صدور با انکار حجیت حدیث متفاوت است. ممکن است حدیثی را به دلیل کافی نبودن قراین کافی بر صحت آن و حاصل نشدن عوامل اطمینان به آن، حجت ندانست، ولی انکار صدور آن نیازمند دلایل متقن‌تری هست. مهم‌ترین دلیل انکار انتساب حدیث به اهل بیت (علیهم‌السلام) در روایات، مخالفت صریح با مسلمات نقلی و عقلی ذکر شده است. (نک: بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۳ و ۲۶۰) از اینجا بحث احادیث جعلی و موضوعه گشوده می‌شود که بحثی مفصل است و مجال دیگری می‌خواهد. به‌رحال علامه مجلسی متناسب با مشی اخبارگرایی خویش در مسیر احتیاط گام برداشته است.

۳. قاعده «تسامح در ادله سنن» در میان متقدمان معروف بوده است و به دلیل دلایل نقلی مثل اخبار «من بلغ» و عدم ناسازگاری محتوای آن‌ها با عقل، بر آن‌ها اعتماد می‌کردند؛ چنان‌که مؤلف تحف العقول، یک دلیل حذف اسناد را از کتابش این‌گونه بیان کرده است: «لأن أكثره آداب و حکم تشهد لأنفسها»؛ بسیاری از روایات آن در موضوع آداب و حکمت‌هاست که به صحت خودش گواهی می‌دهد. (ابن شعبه حرانی، ۴۰۴ (ق)، ص ۳)

یکی از محققان بر آن است که ظاهراً شهید اول و ابن فهد حلی اولین کسانی هستند که قاعده تسامح را در منابع فقهی مطرح کرده‌اند. اصطلاح «قاعده تسامح در ادله سنن» از قرن دهم شکل گرفته و دانشمندانی مثل شیخ بهایی آن را مطرح کرده‌اند. وی اشاره دارد که عده‌ای مثل شیخ مرتضی انصاری

جدید بودن اصطلاح تسامح را تأیید کرده‌اند. وی معتقد است صاحب مدارک و نیز علامه حلی ابتدا این قاعده را نفی کرده، سپس از نظر خویش برگشته‌اند. (سعیدی، ۱۳۷۸ ش، ج ۷، ص ۲۸۸) باید توجه کرد که بسیاری از اصولیان مثل آقا وحید بهبهانی و شیخ مرتضی انصاری این قاعده را پذیرفته‌اند.

منابع

۱. آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، الطبعة الثانية، بیروت: دارالاضواء، ۴۰۳ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن طائوس، علی بن موسی، *اقبال الأعمال*، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
۵. افندی اصفهانی، عبدالله، *ریاض العلماء*، قم: مطبعة الخیام، ۱۴۰۱ ق.
۶. اوسط ناطقی، علی، «آرای درایة الحدیث و رجالی در بحارالانوار»، *یادنامه مجلسی*، ج ۱، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۷. باقری، حمید، «نگاهی به نقش و جایگاه مؤلفه‌های کتاب‌محور در ارزیابی‌های حدیثی قدما در پرتو تحلیل منابع فهرستی» *مجله علوم حدیث*، قم: شماره ۶۸، تابستان ۱۳۹۲ ش.
۸. بهبودی، محمدباقر، *گزیده کافی*، ج ۳، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
۹. حجت، هادی، «ارزیابی اسناد الکافی از منظر علامه مجلسی در مرآة العقول»، قم: *مجله علوم حدیث*، شماره ۴۵ و ۴۶، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. حسین پوری، امین، *حدیث ضعیف (نگاهی به رویکرد عالمان متقدم شیعه)*، ج ۱، قم: نشر دارالحدیث، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. حلی، جعفر بن محمد (محقق حلی)، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم: مدرسه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۳۶۴ ش.
۱۲. رحمان‌ستایش، محمدکاظم، «جوامع حدیثی شیعه و بحارالانوار»، *یادنامه علامه مجلسی*، به‌اهتمام هادی ربانی و مهدی مهریزی، ج ۱، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. سعیدی، فریده، «تسامح در ادلة سنن»، تهران: *دانشنامه جهان اسلام* (ج ۷)، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. صفار قمی، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، قم: نشر کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. طارمی، حسن، *علامه مجلسی*، ج ۲، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. _____، *فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*، ج ۱، قم:

مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.

۱۸. عابدی، احمد، *آشنایی با بحارالانوار*، چ ۱، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ش.

۱۹. عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین، *مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین*، چ ۲، مشهد: کنگره بین المللی بزرگداشت شیخ بهایی و بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۲۹ق.

۲۰. عمادی حائری، سید محمد، *بازسازی متون کهن حدیث شیعه*، چ ۲، قم: نشر دار الحدیث، ۱۳۹۴ش.

۲۱. فقهی زاده، عبدالهادی، *علامه مجلسی و فهم حدیث*، چ ۲، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۳ش.

۲۲. قاسم پور، محسن، و ابوطالب مختاری، «مبنای متن محوره علامه مجلسی در انتخاب مصادر و احادیث بحارالانوار با تأکید بر احادیث ناظر بر امامت»، قم: فصلنامه علوم حدیث، شماره ۸۰، ۱۳۹۵ش.

۲۳. کلبرگ، اتان، *کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او*، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ش.

۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۲۵. مجلسی، محمدباقر، *کتاب الاربعین*، قم: مطبعة العلمية، ۱۳۹۹ق.

۲۶. _____، *اعتقادات*، ترجمه علی اکبر مهدوی پور، چ ۴، قم: انتشارات رسالت، ۱۳۸۵ش.

۲۷. _____، *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۸. _____، *حق یقین*، چ ۳، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ش.

۲۹. _____، *زاد المعاد*، چ ۱، بیروت: ۱۴۲۳ق.

۳۰. _____، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.

۳۱. _____، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶ق.

۳۲. مجلسی، محمدتقی، *روضۃ المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، چ ۲، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.

۳۳. _____، *لوامع صاحبقرانی*، چ ۲، قم: نشر مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.

۳۴. مهدوی راد، محمدعلی، و احمد عابدی، *مقدمه المعجم المفهرس لألفاظ احادیث بحارالانوار*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ش.

۳۵. مهدوی، سید مصطفی الدین، *زندگینامه علامه مجلسی*، چ ۱، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ش.

۳۶. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، چ ۶، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ش.